

تئوری تغییر و چارچوب مدل منطقی برای تشریح فرآیند تاثیرگذاری اجتماعی



خانه خلاق
ونوآوری **دال**

تئوری تغییر و چارچوب مدل منطقی برای تشریح فرآیند تأثیرگذاری اجتماعی

تئوری تغییر [۱]، فرآیند شکل‌گیری تأثیر اجتماعی موردنظر در طی یک مداخله یا سرمایه‌گذاری توسط سازمان را نشان می‌دهد. در یک مدل منطقی، ارتباط بین ورودی، فعالیت، خروجی، نتیجه و نهایتاً تأثیر به‌عنوان ۵ جزء اصلی تئوری تغییر مشخص می‌شود. مطابق تعریف، تأثیر به تغییر رخ داده در اجتماع‌ها و سیستم‌ها اطلاق می‌شود.

جدول ۱ اجزای اصلی در تئوری تغییر

تأثیر	نتیجه	خروجی	فعالیت	ورودی	
تعریف	تغییرات ناشی از فعالیت	تولیدات ملموس حاصل از فعالیت	اقدامات مشخص سرمایه‌پذیر	منابع سرمایه‌گذاری شده در فعالیت (سرمایه انسانی و مالی)	
کاربرد/مثال	اقدامات یا شرایط قابل اندازه‌گیری که پیشرفت به سمت نتیجه مشخصی را نشان می‌دهد. مانند افزایش دسترسی به آموزش.	اقدامات یا شرایط قابل اندازه‌گیری که پیشرفت را در مقابل انجام فعالیت‌های مشخص اندازه‌گیری می‌کند. مانند تعداد افرادی که محصول به دست آن‌ها رسیده است.	توسعه و اجرای برنامه‌ها، ساختن زیرساخت-های جدید و غیره.	میزان سرمایه، تعداد نیروی انسانی و غیره.	تأثیرات روی جمعیت هدف گسترده-تر، مانند کاهش فقر و افزایش نرخ باسوادی.



سرمایه‌گذاران به‌ویژه هنگام ارتباط با ذی‌نفعان خارجی، بهتر است که از چارچوب مدل منطقی برای اندازه‌گیری تأثیر استفاده کنند. این چارچوب با مشخص کردن مسیر سرمایه‌گذاری برای تأثیر اجتماعی، می‌تواند در کنار سایر ابزارهای اندازه‌گیری تأثیر اجتماعی، ابزار سودمندی برای سرمایه‌گذاران ایجاد کند. برخی از کاربردهای مدل منطقی به شرح زیر است:

- چارچوب مدل منطقی به سرمایه‌گذار کمک می‌کند تا با فهم مسیر و نقشه راه تأثیرگذاری اجتماعی و استخراج فرض تئوری تغییر برای دستیابی به تأثیر اجتماعی، با کارآفرینان تعامل هدفمند و مؤثری داشته باشد. سرمایه‌گذار می‌تواند با بهره‌گرفتن از این چارچوب، فرض مختلف را ارزیابی و در صورت کمرنگ بودن رابطه علیت، به انجام آزمایش و مطالعه پژوهش‌های پیشین برای رد یا تأیید فرض دستیابی به نتیجه و تأثیر بپردازد.
- از آنجایی که مدل منطقی، مسیر حرکت منابع تا نتایج را نشان می‌دهد؛ سرمایه‌گذار می‌تواند بر اساس آن با کارآفرین در مورد هدف‌گذاری خروجی و نتایج بحث کند. همچنین می‌تواند در این چارچوب، محدودیت‌های مربوط به منابع در دسترس را بررسی کرد.
- چارچوب مدل منطقی برای شناسایی داده‌های موردنیاز برای جمع‌آوری و همچنین تعریف KPIهای سرمایه‌گذاری برای رصدشان در طول دوره سرمایه‌گذاری بسیار سودمند است.
- با استفاده از نقشه خروجی‌ها و نتایج، می‌توان اهدافی را شناسایی کرد که با استفاده از آنها سیستم‌های تشویقی طراحی شوند (به‌عنوان مثال مشوق‌هایی برای مدیران پرتفو در مسیر دستیابی به تأثیر اجتماعی). همچنین برای تعیین نقاط عطف [2] بر اساس اهداف تأثیر اجتماعی کاربرد دارد.

مدل منطقی در سطوح مختلفی کاربرد دارد. این سطوح مختلف با طبقه‌بندی در دو بعد مشخص می‌شوند. بعد اول مربوط به پیچیدگی تئوری تغییر مداخله [3] و بیان‌کننده شفافیت رابطه علت و معلولی در رسیدن به تأثیر اجتماعی است و بعد دوم پیچیدگی استراتژی عملیاتی [4] است که مشخص می‌کند یک مداخله‌ی کاملاً مشخص در حال انجام است یا یک مداخله‌ی پیچیده با تعداد

متنوعی عملیات. به این اساس سطوح مناسب اندازه‌گیری در مدل منطقی به شیوه زیر تقسیم‌بندی می‌گردند:

- نتایج نهادی [5]: جایی که سازمان وظیفه متمرکز دارد (استراتژی عملیاتی متمرکز) اما تأثیر اغلب توسط شبکه به دست می‌آید (تئوری تغییر پیچیده)؛ اندازه‌گیری خروجی‌ها و نتایج واسطه‌ای در این حالت مناسب است.
- نتایج اکوسیستم [6]: جایی که هدف سازمان تغییرات سیستمی است (استراتژی عملیاتی پیچیده) و تأثیرات آن از طریق مشارکت طیف‌های مختلف حاصل می‌شود (پیچیدگی تئوری تغییر)؛ اندازه‌گیری نتایج و تأثیرات در این سطح مناسب است.
- نتایج خاص [7]: جایی که خروجی‌ها بسیار ملموس است اما تأثیر بلندمدت فراتر از نقش یک سازمان مشخص است (تئوری تغییر متمرکز و استراتژی عملیاتی متمرکز)؛ در این حالت ورودی‌ها، فعالیت‌ها و خروجی‌ها باید اندازه‌گیری شوند.
- نتایج یکپارچه [8]: جایی که سازمان چندین جایگاه را در زنجیره علیت در اختیار دارد (استراتژی عملیاتی پیچیده) و سطح خوبی از کنترل بر خروجی و نتایج را دارد (تئوری تغییر متمرکز)؛ خروجی‌ها، نتایج و گاهی اوقات تأثیرات در این سطح اندازه‌گیری می‌شوند.

شایان ذکر است درحالی که سادگی مدل منطقی تئوری تغییر یک نقطه قوت محسوب می‌شود، اما می‌تواند منجر به کاهش سطح پیچیدگی تغییرات اجتماعی به یک روند خطی شود. اگرچه برخی از سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است مسیر مشخصی برای تأثیرگذاری داشته باشند، اما کار تغییرات اجتماعی اغلب آشفته و غیرخطی است. در نتیجه، یک مدل منطقی می‌تواند اطمینان کاذبی در نحوه تبدیل فعالیت‌ها و خروجی‌های سرمایه‌گذاری به نتایج ایجاد کند.

سرمایه‌گذاری خیرخواهانه [9] LGT، به حمایت از سازمان‌ها (در مرحله رشد) برای حل یک چالش اجتماعی می‌پردازد. LGT از چارچوب مدل منطقی برای تئوری تغییر استفاده می‌کند و سلامت جسمی، رفاه اجتماعی، رفاه مادی، بهبود امنیت و بهبود آزادی را به‌عنوان اهداف خود در نظر دارد. به‌عنوان مثال جدول زیر، مدل منطقی را نشان می‌دهد که LGT برای سرمایه‌گذاری در MFK (تولیدکننده مواد غذایی بر پایه بادام زمینی و موسوم به RUF در هائیتی برای کودکان دارای سوءتغذیه) مورد استفاده قرار داده است.

[1] Theory of Change

[2] Milestones

[3] complexity of the intervention's theory of change

[4] complexity of operational strategy

[5] Institutional results

[6] Ecosystem results

[7] Niche results

[8] Integrated results

[9] LGT Venture Philanthropy



خانه خلاق
و نوآوری

دال

WWW.DAALINO.IR

